

جوک‌های سیاه، تعامل‌های اجتماعی و پیامدهای غیرسازنده آن

مهرداد توکلی‌راد^۱

غلامرضا غفاری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۰

چکیده

جوک یکی از راه‌هایی است که انسان‌ها با آن لحظاتی شاد را برای خود رقم می‌زنند. جوک، بخشی از طنز یا فکاهیات شفاهی در ادبیات عامه ایران است که به صورت‌های مختلفی پدیدار می‌شود. برخی از جوک‌ها با ایجاد شغف، کارکردی مثبت در زمینه‌های گوناگون دارند؛ بنابراین، عنصری سازنده قلمداد می‌شوند، اما بعضی دیگر بازتاب‌های منفی دارند و آثار تخریبی فراوانی به بار می‌آورند. این مقاله به پیامدهای منفی جوک‌هایی می‌پردازد که در اصطلاح جوک‌های سیاه نامیده شده‌اند. همچنین این پژوهش با استفاده از رهیافت کیفی به دنبال آن است که این پیامدها را مطالعه کند.

در این مقاله، ابتدا با واکاوی مفهوم جوک و بیان ابعاد مختلف آن و نیز بیان سیر تحول آن در تاریخ ادبیات ایران، به مفهوم‌شناسی دقیق جوک‌های سیاه می‌پردازیم و پیامدهای آن‌ها را از دیدگاه جامعه مورد مطالعه بررسی می‌کنیم. نتایج نشان می‌دهد جوک‌های سیاه پیامدهای متعددی دارند که در ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پدیدار می‌شوند؛ تا جایی که ممکن است انسجام جامعه را مختل کنند.

واژه‌های کلیدی: آثار و پیامدهای جوک‌های سیاه، انواع جوک، تعامل، جوک، شادی.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، m_tavakolirad@pnu.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه تهران، ghaffary@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

جوک در جامعه ایرانی از دیرباز به اشکال مختلف وجود داشته و به‌مثابه یک وسیله ارتباطی یا سرگرمی، اشکال و صور مختلفی یافته است. نکته حائز اهمیت این است که جوک‌خوانی و جوک‌گویی تا جایی که حرمت‌ها را نشکند و کرامت شخص یا گروه‌های جنسی، قومی یا زبانی را زیر پا نگذارد، امری مفید است، اما اگر چنین شاخصه‌هایی را نداشته باشد، پدیده‌ای زیانبار است که موجب اختلال و بحران در جامعه می‌شود. به‌عبارت دیگر، جوک کارکردهای متناقض و متنوعی فراتر از خندیدن دارد که می‌توان آن را از دو جنبه مثبت یا منفی مدنظر قرار داد. جنبه‌های مثبت آن، زمینه‌های هم‌زیستی میان توده‌های مردم را غنا می‌بخشد و جنبه‌های منفی آن، ضمن فراهم کردن بستری برای تفریح و شوخی، موجب افزایش تنش و درگیری‌های قومی و زبانی می‌شود؛ چراکه عده‌ای خواسته یا ناخواسته با پرداختن به جوک‌های نامناسب، نه‌تنها نشاط و خنده را از کلام می‌ستانند، بلکه با طعنه‌زدن به افراد، روح زندگی جمعی را دچار آسیب می‌کنند. شیوه‌های نامناسب جوک‌سازی در جامعه ایرانی سبب شده است که گاهی بخشی از جامعه تحقیر شود و بدین ترتیب، جوک‌های سیاه و تلخ به شکل یک ناهنجاری زشت، امنیت اخلاقی جامعه را با خطر مواجه سازند. جوک‌های سیاه به‌منزله سلاحی برنده‌اند که بخش‌های مختلفی از جامعه را استهزا می‌کنند و به‌جای لبخند فراگیر، زهرخند را بر لب تهاجم‌دیدگان می‌نشانند. باید تأکید کرد که با وجود وسایل ارتباطی نوین، دامنه تأثیرگذاری جوک‌های نامناسب و سیاه در جامعه ایرانی افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که درحال حاضر، ارسال پیامک‌های جوک به‌صورت گسترده در تلفن‌های همراه و فضای مجازی، متداول شده است. تنوع جوک‌های ساخته‌شده در فضای عمومی، خصوصی و مجازی، به‌وضوح نشان می‌دهد که گستره جوک‌های سیاه، از تخریب نمادهای فرهنگی و قومی و جنسیتی، به حمله به بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز رسیده و واگرایی فردی، بین‌فردی، اجتماعی و نهادی را در جامعه افزایش داده است.

درک عمیق جوک‌ها و لطیفه‌ها مستلزم ادراک آن‌ها در بستر محیط طبیعی است و مهم‌تر آنکه باید کارکردهای آن را به‌درستی تبیین کرد. جوک در بستر فرهنگ و با معنای منحصربه‌فرد بروز می‌یابد و هنگامی خنده یا معنای آن درک می‌شود که مخاطب با زمینه فرهنگی تولید جوک به‌خوبی آشنا باشد. برای تبیین کارکردهای جوک و به‌ویژه کارکردهای منفی آن، پرسش‌های مختلفی به ذهن متبادر می‌شود؛ برای مثال، خندیدن ضرورت زندگی انسانی است، اما خندیدن به چه شکل و با چه بهایی در جامعه باید صورت پذیرد؟ چرا علی‌رغم ادراک جمعی از اینکه

جوک‌های سیاه و تلخ موجب رنجش افراد می‌شود، عده‌ای همچنان به تولید آن مبادرت می‌ورزند؟ چرا رنجش افراد دلیل کافی برای توقف این موج ضد ارزش نیست؟ تکرار این عادت غلط فرهنگی تا چه زمان باید ادامه یابد؟ این معضل در حال حاضر به شکلی خاموش، شخصیت، فرهنگ، حرمت و عزت نفس افراد و در نهایت، تمامی بستر جامعه را از بین می‌برد. در این مقاله، با بررسی مفهوم جوک‌های سیاه، جنبه‌های مختلف این پدیده را تشریح و پیامدهای آن را در جامعه مورد مطالعه بررسی می‌کنیم. در این مقاله با شناسایی مشارکت‌کنندگان فعال، با تیپ‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی در فضای عمومی و مجازی حوزه مورد مطالعه که ساکنان برخی از شهرهای استان گیلان هستند، دیدگاه‌های آن‌ها درباره مفهوم جوک‌های سیاه تحلیل می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش دربرگیرنده پرسش‌هایی است که در حوزه علوم اجتماعی جامعه ایرانی کمتر مطرح شده یا چندان به صورت علمی بررسی نشده است. پرسش بنیادین این تحقیق که هدف اصلی آن را نیز بیان می‌دارد، این است که جوک‌های سیاه، چه پیامدهایی برای جامعه ایرانی دارد. برای پاسخگویی به این پرسش باید پرسش‌هایی مقدماتی مطرح شود تا بتوان به شکل روان‌تری نتایج جوک‌های سیاه را تحلیل کرد. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: ۱. جوک به چه معناست؟ ۲. اقسام و گونه‌های جوک در جامعه ایرانی چگونه است؟ و ۳. مفهوم جوک‌های سیاه و ابعاد آن چیست؟

بیان مفهومی جوک

جوک بخشی از طنز شفاهی جامعه ایرانی است که بخش عظیمی از جامعه در زندگی روزمره از آن استفاده می‌کند و به همین سبب، بیان فراز و فرودهای آن در تاریخ ایران بسیار دشوار است، اما می‌توان گفت که مولد اساسی جوک، ناامنی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نیازهای شوخ‌طبعانه در تاریخ ایران بوده است. نشانه‌های بذله‌گویی در تاریخ کشورمان بی‌شمار است. نمونه بارز آن وجود دلقکان در گذشته است که با لطیفه‌خوانی، نقش مهمی در تولید انواع جوک داشتند. لطایف نظم و نثر هم در ادبیات ما بی‌شمارند. ویلیام فرانکلین که در روزگار زندگی در ایران به سر می‌برد و در شعر و ادب فارسی پژوهش‌هایی انجام داد، طنزگویی ایرانیان را ستایش کرد. به سخن وی، اشتیاق ایرانیان به شوخی و مزاح‌گویی، ستودنی و شایان توجه بوده است (کاسب، ۱۳۶۶: ۵۶). به‌هرحال، یکی از ویژگی‌هایی که انسان را با سایر موجودات متفاوت می‌سازد، توانایی خندیدن است (سیاسی، ۱۳۹۴: ۴۶). وی برای خندیدن، شیوه‌های متعددی را

برمی‌گزینند که یکی از متداول‌ترین آن‌ها استفاده از جوک است (صدر، ۱۳۸۴: ۱). فکاهیات، طنز و به‌طور خاص جوک، زبانی جهانی و آشکارکننده بعد مشترک و عظیمی است که در زندگی اجتماعی بشر حضوری گسترده دارد (آرپلارد، ۱۳۷۸: ۵). در فرهنگ معین، جوک یا لطیفه به‌معنای هر چیز نیکو، حکایت نغز و معنادار، بذله و شوخی آمده است (۱۳۶۴: ۲۳۴۱). حاجی بیگوف برای جوک این تعریف را ارائه می‌دهد: «در بیان ابداعات و آفرینش‌های شفاهی خلق، آثاری وجود دارد که حالت و اندیشه کاملی را به شیوه‌ای خنده‌آور بیان می‌کند و آثاری وجود دارد که موضوعی را در قالب موجز و فشرده مطرح می‌سازد. به این‌گونه آثار، جوک اطلاق می‌شود» (درودیان، ۱۳۷۷: ۷). به‌طورکلی، جوک حکایتی کوتاه است که هدف آن خندانند دیگران و سرگرمی افراد است (انوری، ۱۳۸۱: ۲۲۲۸) که برای رسیدن به این هدف، از ابزارهایی مانند کنایه، ریشخند و بازی با کلمات استفاده می‌شود (حری، ۱۳۸۷: ۲۰). در ادبیات کهن ایران، جوک مرز مشخصی با دیگر مضامین انتقادی و خنده‌آمیز مانند هجو و هزل، طنز و لطیفه، مطایبه و... ندارد و به‌طورکلی می‌توان آن را بخشی از فکاهیات در ادبیات عامه ایران به‌شمار آورد (شیری، ۱۳۷۶: ۴۰). جوک از نظر محتوا در زندگی روزمره جامعه ایرانی از تنوع بسیار زیادی برخوردار است و با ویژگی‌هایی مانند کوتاهی جملات و ایجاز، سادگی بیان، چینش خاص واژه‌ها، استفاده از زبان محاوره، بیان اغراق‌آمیز، بازی‌های زبانی و بیانی، آشنایی زدایی، غافلگیری و... در جامعه رواج می‌یابد. در فرهنگ شفاهی جامعه ایران، گاهی جوک با لطیفه برابر دانسته شده است، اما بین این دو تفاوت وجود دارد؛ چراکه لطیفه همیشه برای خندانند نیست. در لغت‌نامه دهخدا آمده است: جوک لطیفه یا حکایتی کوتاه است که برای خندانند دیگران تعریف کنند. درمورد معنای لطیفه عنوان شده که مؤنث واژه لطیف است که به گفتاری نرم و کلامی مختصر در غایت حسن و خوبی گفته می‌شود. به‌عبارت دیگر، لطیفه نکته‌ای است که در نفوس تأثیری داشته باشد؛ به‌نحوی که موجب سرگرمی و انبساط قلب شود (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۵۰۷). بدین ترتیب، لطیفه گفتار و کلامی نرم است، اما جوک همیشه نرم نیست و طعنه‌های تمسخرآمیز تند و سیاه نیز جوک تلقی می‌شوند. در این نوشته، به‌علت رایج‌بودن واژه جوک در بیان محاوره‌ای و نیز متفاوت‌بودن لطیفه با جوک، از واژه جوک استفاده می‌شود.

گونه‌های مختلف جوک

جوک مانند اشکال دیگر فکاهی‌ها از جمله طنز، هجو، شوخی، هزل و... ممکن است مقاصد دیگری را نیز دنبال کند. این تنوع، از ویژگی‌های مختلف جوک‌ها ناشی می‌شود. جوک‌های رایج در جامعه ایرانی، در نگاهی اجمالی، به‌طور معمول دارای ویژگی‌هایی مانند مزاح، لودگی، کوچک‌سازی، مبالغه، تناقض، طعنه، رکیک‌بودن و عرف‌شکنی است که این ویژگی‌ها سبب شده است انواع مختلف جوک در جامعه پدیدار شود. جوک را به‌لحاظ تیپ‌شناسی می‌توان به انواع مختلفی طبقه‌بندی کرد، اما با توجه به اینکه پژوهش‌های چندانی در این زمینه صورت نگرفته است، برحسب مشاهدات و تجربه زیسته‌ای که پژوهشگران در جامعه مورد مطالعه داشتند و نیز تجزیه و تحلیل برخی از محتواهای جوک‌های مورد استفاده در جامعه مورد بررسی، به‌نظر می‌رسد می‌توان آن‌ها را در سه گونه زیر قرار داد:

الف) جوک‌های سفید: جوک‌های سفید یا شیرین در زمره جوک‌هایی قرار می‌گیرند که با بزرگ‌نمایی زشتی‌ها و بدی‌ها، فارغ از خندانند مخاطب، وی را آگاه می‌سازند و در مسیر درست راهنمایی می‌کنند. این نوع جوک، اغلب ملایم، مؤدبانه و با در نظر گرفتن مناسبات اخلاقی پدیدار می‌شود. به‌عبارت دیگر، این گونه از جوک‌ها با خصلت پیونددهندگی، حاوی مطالب یا پیام‌هایی هستند که از سوی گوینده یا منبع جوک به مخاطبان ارسال می‌شوند و با شادکردن مؤثر دیگران، زمینه‌های ارتباط مطلوب افراد با یکدیگر را میسر می‌سازند (خشوعی، ۱۳۸۶: ۵-۷). جوک سفید، با بیان طنزآمیز به دنبال اصلاح و شرح خطرهای پیش‌روی فرد یا جامعه انسانی است؛ بنابراین، حالتی مثبت‌گرا و سازنده دارد.

ب) جوک‌های خاکستری: این جوک‌ها به‌نوعی شبیه جوک‌های سفیدند؛ با این تفاوت که هیچ‌گونه نقش اصلاح‌گرایانه یا هشداردهنده‌ای ندارند. در واقع، این جوک‌ها به‌مثابه شوخی بدون آزارند و برای خندانیدن دیگران بیان می‌شوند. در این نوع جوک، هیچ‌گونه سازندگی و سوگیری مثبت که آثار آن در جامعه مشاهده شود، وجود ندارد و جز سرگرمی، آرامش و تفنن، چیز دیگری را دربرنمی‌گیرد.

ج) جوک‌های سیاه: جوک‌هایی با زبان و لحن رنج‌آور و گزنده هستند. این جوک‌ها، اغلب برای تمسخر فرد، گروه یا فرهنگ خاصی ساخته می‌شوند؛ بنابراین، نه تنها سازنده نیستند، بلکه مخرب‌اند. جوک‌های سیاه در اشکال متفاوتی پدیدار می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها جوک‌های قومیتی،

مذهبی، جنسی، زبانی و سیاسی‌اند. فروید این نوع از جوک‌ها را در قالب شوخی‌های عمدی قرار می‌دهد و با نام‌گذاری آن‌ها با عنوان کثیف^۱، آن‌ها را به سه دسته جنسی، تهاجمی و بدبینانه تقسیم می‌کند (برگسون، ۱۳۷۹: ۷۲). در جوک سیاه که خنده‌آور نیز است، هدف فقط خندانیدن مخاطب نیست؛ بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه، خنده به ابزاری برای ترور شخصیت، هویت‌ها و فرهنگ‌ها مبدل می‌شود. با بیان جوک سیاه، دو حالت خنده و خشم به‌صورت هم‌زمان ایجاد می‌شود. مهاجم می‌خندد و لذت می‌برد و تهاجم‌دیده رنج می‌برد و خشمگین می‌شود. این نوع جوک، با رفتارهایی مانند تحقیر، کودن‌نمایی، ویران‌کردن نمادها، ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، بزرگ‌کردن معایب، نقیضه‌گویی و... روح، ماهیت، توانایی و هویت افراد را آزار می‌دهد. در قسمت‌های دیگر این مقاله، با تأکید بر جوک‌های سیاه، پیامدهای آن در جامعه مورد مطالعه ارائه می‌شود.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، براساس ماهیت موضوع، از شیوه‌های ذیل سنت پژوهش کیفی استفاده شد. با توجه به اقتضای تحقیق، تکنیک‌های مختلفی مانند مصاحبه باز و نیمه‌سازمان‌یافته، مشاهده و مشاهده همراه با مشارکت و یادداشت‌برداری به‌کار رفت. در این تحقیق، برای مدیریت مناسب و تجزیه و تحلیل مطلوب داده‌ها از نظریه بنیادی^۲ بهره گرفته شد تا بتوان صورت‌بندی نظری منسجمی از اطلاعات به‌دست‌آمده ارائه داد. در این پژوهش، براساس اجزای پنج‌گانه مدل پارادایمی استراس و کوربین که شامل پدیده، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست، امکان تفسیر منظم اطلاعات فراهم شد. پژوهشگران در مراحل تنظیم و تحلیل داده‌ها، با بهره‌گیری از سه عنصر اصلی نظریه بنیانی یعنی مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا، به مدیریت و طبقه‌بندی داده‌ها پرداختند. این کار با استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی یا از طریق استخراج مضامین اصلی از مواد در اختیار انجام گرفت. درنهایت، در فرایند پژوهش، مدلی نظری برای بررسی پدیده مورد نظر ابداع شد که برگرفته از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان این پژوهش است.

افراد نمونه

انتخاب نمونه‌ها (یا مشارکت‌کنندگان) در این بررسی، از میان افرادی بود که از اطلاعات فراوان بهره‌مند باشند و بینشی نسبت به پدیده مورد مطالعه به دست دهند. براین اساس، به‌طور ترکیبی از

۱. Dirty joke

۲. Grounded theory

سه روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۱، نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ استفاده شد. در این پژوهش که نیازمند تفسیر داده‌های به‌دست‌آمده بود، نمونه‌گیری نظری به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های روش بنیادی، زمینه تفسیر جامع و رسیدن به اشباع نظری و تحلیلی به پدیده مورد بررسی را فراهم کرد.

در پژوهش حاضر، برخی از شهرهای گیلان (شهرهای رشت، فومن، صومعه‌سرا و شفت) به‌عنوان میدان پژوهش برگزیده شدند. تعدد شهرها و گسترده‌تر شدن میدان پژوهش بدین‌علت بود که بستر اولیه آن در ذهن پژوهشگران از طریق فضای مجازی حاصل شد. بدین‌صورت که پژوهشگران ابتدا به‌طور تصادفی به عضویت گروهی در یکی از شبکه‌های اجتماعی تلفن‌های همراه (تلگرام) که بیش از ۲۸۰ عضو داشت درآمده بودند که در آن، اعضا جوک‌ها و جملات طنزآلودی ردوبدل می‌کردند. براین‌اساس، از ظرفیت این گروه در جهت به‌دست‌آوردن اطلاعات مورد نظر این بررسی استفاده شد؛ چراکه نظرها و دیدگاه‌های برخی از اعضای این گروه بسیار قابل‌تأمل بود. برحسب آشنایی اولیه با برخی از اعضای این شبکه و نیز پرس‌وجوهای فراوان، پس از مدتی مشخص شد که اعضای این گروه دارای وضعیت‌های شغلی و اجتماعی متفاوتی هستند؛ بنابراین، با تماس‌های مکرر از طریق فضای مجازی و پرس‌وجوهای مکرر و با اتخاذ روش گلوله‌برفی به ۱۷ فرد مطلع در این زمینه دست یافتیم. در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا از روش مشاهده یا مشاهده همراه با مشارکت استفاده شد؛ به‌طوری‌که محققان همواره بحث‌های داغ گروه را دنبال می‌کردند و با مشاهده مستقیم و قرائت پیام‌ها، بینش‌های جدیدی به موضوع پژوهش می‌یافتند. همچنین گاهی برحسب سؤال‌های ایجادشده در ذهن پژوهشگران، به‌طور مستقیم با طرح پرسش‌های مورد نظر این پژوهش و با استفاده از تکنیک مشاهده مشارکتی، به داده‌های به‌دست‌آمده غنا بخشیدند. شایان ذکر است تمامی اطلاعات به‌دست‌آمده، از طریق مشاهده یا مشاهده همراه با مشارکت، بلافاصله یادداشت‌برداری می‌شد. محققان پس از آنکه توانستند برخی از فعالان گروه و نمونه‌هایی را که حاوی اطلاعات یا دیدگاه‌های مؤثر برای پیشبرد اهداف این تحقیق را بودند، به‌عنوان نمونه‌های هدفمند شناسایی کنند و با توجه به فرایندهای پژوهش با آن‌ها مصاحبه‌های سازمان‌نیافته و نیمه‌سازمان‌یافته انجام دهند. در این پژوهش، برای افزایش

۱. Snowball Sampling

۲. Purposive Sampling

۳. Theoretical Sampling

تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق، با نمونه‌های مختلفی در سنین، جنسیت، تحصیلات و مشاغل متفاوت برای مشارکت استفاده شد. با توجه به فرایند تحلیل داده‌ها و نیز سطح اطلاعات افراد نمونه این تحقیق، با برخی از نمونه‌ها دو بار در فاصله زمانی متفاوت مصاحبه صورت گرفت. ویژگی‌های این مصاحبه‌ها و نمونه آماری در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های افراد نمونه

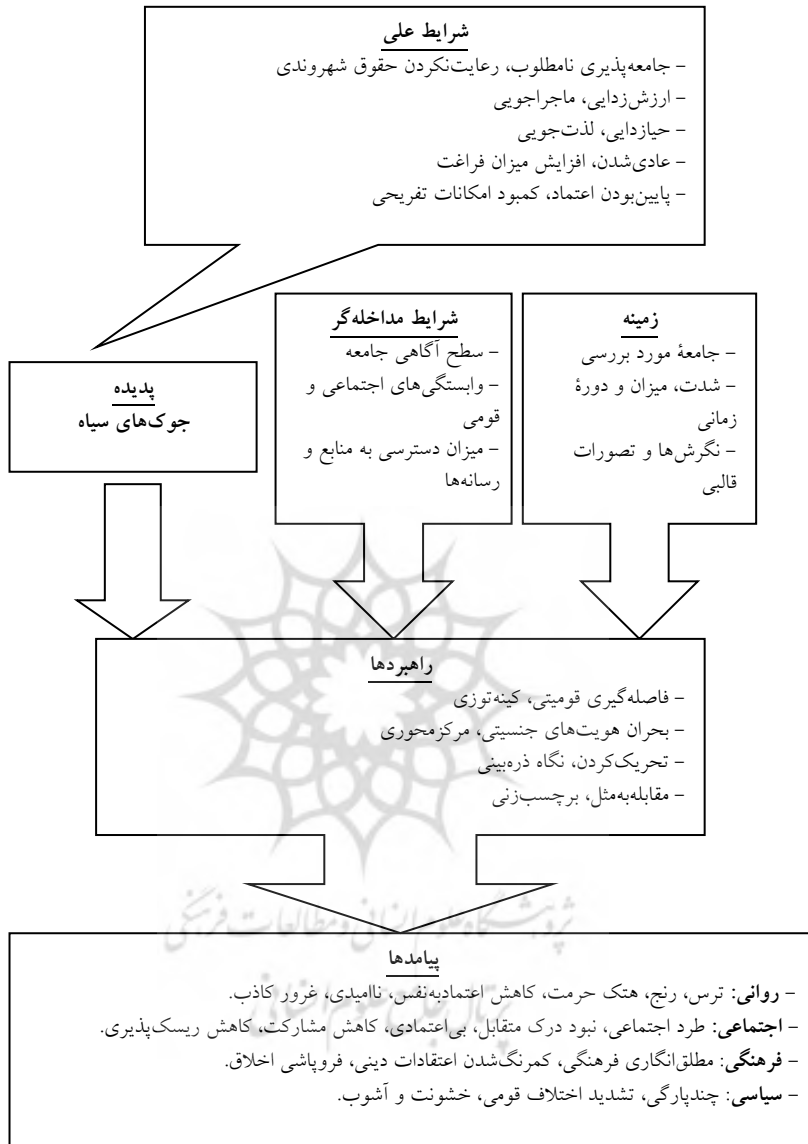
شماره	سن	جنسیت	سطح تحصیلات	شغل	تعداد مصاحبه
۱	۲۳	زن	دانشجوی کارشناسی	بیکار	۱
۲	۲۷	مرد	دانشجوی کارشناسی ارشد	کارمند	۲
۳	۳۹	مرد	دکتری	عضو هیئت‌علمی	۱
۴	۲۳	زن	دانشجوی کارشناسی	بیکار	۲
۵	۲۹	زن	کارشناسی ارشد	بیکار	۱
۶	۳۴	مرد	کاردانی	معلم	۱
۷	۴۳	مرد	دیپلم	کارمند	۱
۸	۴۰	مرد	کارشناسی	معلم	۲
۹	۴۱	زن	دانشجوی دکتری	عضو هیئت‌علمی	۲
۱۰	۲۹	مرد	کارشناسی	کارمند	۱
۱۱	۳۱	زن	کارشناسی ارشد	بیکار	۲
۱۲	۳۹	مرد	دانشجوی دکتری	مدرس دانشگاه	۲
۱۳	۴۰	مرد	دیپلم	کارمند	۲
۱۴	۳۱	زن	کارشناسی ارشد	مدرس دانشگاه	۱
۱۵	۴۱	مرد	کارشناسی	کارمند	۱
۱۶	۳۸	مرد	کارشناسی ارشد	معلم	۱
۱۷	۲۶	زن	کارشناسی	کارمند	۱

ناگفته نماند که استفاده از شیوه تحلیل نظریه بنیانی در این پژوهش، زمینه روایی و پایایی آن را فراهم آورد؛ چراکه این شیوه تحلیل، با ایجاد بسترهای توصیف غنی داده‌ها و تحلیل‌های میان‌موردی و استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری مانند کدگذاری باز و محوری، تحلیل‌های پژوهش را به واقعیت و تأییدپذیری نزدیک‌تر ساخت. علاوه بر این، برای کسب روایی در این پژوهش، پژوهشگران از دو تکنیک استفاده کردند. در تکنیک نخست، اطلاعات دقیق موازی به‌دست آمد و پس از

تحلیل‌های داده‌ای، نتایج آن به متخصصان امر نشان داده شد و نظرهای آنان دریافت شد. در تکنیک دوم، تحلیل داده‌ها و نتایج آن به برخی از پاسخگویان نشان داده شد و مشاهده واکنش‌های آنان در مرحله ثبت گزارش نهایی صورت گرفت. با توجه به ماهیت تفسیری پژوهش و برداشت‌های مختلف اظهارشده از سوی افراد نمونه، دستیابی به پایایی پژوهش به‌سادگی میسر نبود. با این حال، پژوهشگران با هدایت دقیق جریان مصاحبه در مراحل گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساختمند برای اجرای مصاحبه‌های همگرا، دقت فراوان در جمع‌آوری داده‌های تکراری در مقاطع مختلف زمانی و تفسیر آن‌ها، و رسیدن به نقطه همسانی نتایج داده‌های تکراری و اولیه در فرایند تحقیق، تا حدودی زمینه‌های افزایش پایایی آن را فراهم آوردند. با وجود این، از آنجاکه افراد نمونه این جامعه کوچک و محدودند، نتایج این تحقیق را نمی‌توان به کل جامعه ایرانی تعمیم داد.

یافته‌ها

یافته‌های به‌دست‌آمده از جامعه مورد بررسی نشان داد که میل به استفاده از جوک سیاه در بستر جامعه امری متداول است و آثار گوناگونی را در سطوح مختلف در جامعه به‌همراه دارد. بنا به اظهارات افراد نمونه در این پژوهش، جوک‌های سیاه، چارچوب‌های ارزشی و اخلاقی جامعه را تخریب می‌کند. در این مرحله، برای تحلیل منسجم یافته‌های این بررسی، همان‌طورکه در سطور گذشته بیان شد، با استفاده از روش تحلیلی نظریه بنیانی و مدل پارادایمی استراس و کوربین، برحسب شکل ۱ به ارائه نتایج این بررسی می‌پردازیم.



شکل ۱: آثار و پیامدهای جوک‌های سیاه

شرایط علی شکل‌دهنده جوک‌های سیاه

عواملی زیادی در شکل‌دهی پدیده جوک‌های سیاه دخیل هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل، «شیوهای نامطلوب اجتماعی‌شدن» است. هنگامی که افراد نتوانند ارزش‌ها یا هنجارهای قانونی

جامعه را به‌خوبی نهادینه یا درونی‌سازی کنند، جامعه به‌لحاظ اجتماعی دچار بحران‌های متعددی می‌شود. بسیاری از افراد نمونه اظهار کردند که نبود آموزش‌های اجتماعی مؤثر در جامعه، زمینه را برای شیوه‌های یادگیری‌های مهارت نامطلوب اجتماعی فراهم می‌کند که جوک‌های سیاه، یکی از نمونه‌های بارز این مسئله است.

از دیگر عوامل مؤثر در بروز این پدیده، «ارزش‌زدایی» از جامعه است. کاملاً روشن است جامعه‌ای که نتواند ارزش‌های خود را به شکل مطلوبی به افراد خویش منتقل کند یا خرده‌فرهنگ‌های منحرف و ضد ارزشی در آن رواج یابد و برخی از افراد از آن تغذیه کنند، روح ارزش‌های جامعه متزلزل می‌شود. یکی از زمینه‌هایی که روند ارزش‌زدایی یا سست‌کردن ارزش‌های اصلی جامعه را فراهم می‌آورد، انتشار و استفاده از جوک‌های سیاه است. عامل ارزش-زدایی یا کم‌رنگ‌شدن ارزش‌ها که حاصل به‌کارگیری جوک‌های سیاه است، موجب شکل‌دهی دو عامل «حیازدایی» از جامعه و «عادی‌شدن» این رفتار زشت شده است. به‌عبارت دیگر، جوک‌های سیاه با لحن یا زبان رکیک و به دور از اصول اخلاقی، زمینه بی‌عفتی و بی‌حیایی را در جامعه فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، فراگیری و استفاده بخش‌های زیادی از جامعه از چنین جوک‌هایی سبب شده است که این رفتار ضدفرهنگی، به امری عادی و طبیعی در حیات اجتماعی افراد مبدل شود؛ برای مثال، می‌توان به اظهارت زیر توجه داشت:

«ارزش‌ها مرده، جوک‌های بد دیگه یه امر عادیه... نباید تعجب کرد (۱۲) وقتی خجالت کشیدن یا بزرگ‌تر و کوچک‌تری از بین می‌ره... دیگه احترام و عزت و حیا نمی‌مونه... طرف با یه قد کوتاه [منظور سن کم] حرف‌های توهین‌آمیزی با جوک می‌زنه که واقعاً خجالت‌آور (۱۴) زمانه خیلی فرق کرده... قدیم احترام و عزتی بود... الان هرکی هرجایی هست، اصلاً درک نمی‌کنه که باید با توجه به شرایط سنی و موقعیتی خودش حرف بزنه. واقعاً باید گفت که این جوک‌های زشت، یه جورایی داره فحش و ناسزا رو در جامعه زیاد می‌کنه (۱۳) دیگر این‌قد از این جوک‌های بد تو جامعه گفته‌شده که دیگر برای همه عادی شده (۵)»

یکی دیگر از علت‌های اساسی جوک‌سازی در جامعه ایرانی، «کوچک‌شدن دایره اعتماد» در سطوح مختلف فردی، بین‌فردی و نهادی است. اعتماد به‌معنای اعتقادداشتن به دیگران تعریف شده است؛ زیرا برای رسیدن به خواسته‌های خود وابسته به دیگران هستیم (مارتینز، ۲۰۰۲: ۷۵۶-۷۵۷). اعتماد پدیده‌ای پویاست که به عوامل مختلفی بستگی دارد که هریک در ساخت طرحی از

اعتماد مؤثر است (تایلر، ۲۰۰۳: ۶۰۱). زمانی که دامنه اعتماد در جامعه دچار نقصان شود، بستر برای گسترش جوک‌های سیاه در اشکال مختلف فردی، فرهنگی و سیاسی فراخ‌تر می‌شود. ریشه بسیاری از جوک‌ها علیه قومیت‌ها، زبان‌ها، شخصیت‌های و نهادهای سیاسی در جامعه، کمرنگ-شدن اعتماد متقابل است. وقتی اعتماد به روش‌های مختلف، در فضای جامعه از بین می‌رود، کینه و دشمنی از راه‌های متعدد به‌ویژه در قالب جوک‌های سیاه بروز می‌یابد.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز جوک‌های سیاه در بستر جامعه مورد بررسی، «رعایت نکردن حقوق شهروندی» است. شهروندی از جمله مفاهیم نوظهوری است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه کرده و در نظریه‌های اجتماعی و سیاسی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. شهروندی هنگامی تحقق می‌یابد که همه افراد جامعه، از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و به فرصت‌های زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۵۹). همچنین شهروندان به‌عنوان اعضای یک جامعه، در حوزه‌های مختلف مشارکت و فعالیت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم برعهده می‌گیرند (پلیو، ۱۳۷۰: ۱). ناآگاهی افراد از حقوق و مسئولیت‌های خود و دیگران سبب می‌شود عده‌ای با جوک‌سازی یا شنیدن جوک‌های رکیک و زننده به حقوق یکدیگر تجاوز کنند و آرامش اجتماعی و تفاهم همگانی را در سطح جامعه تخریب کنند. در بسیاری از مصاحبه‌ها به این مسئله اشاره شد که در این بخش، چند نمونه را بیان می‌داریم:

«وقتی جوک می‌سازیم و جوک‌ها رو با گوش دادن تأیید می‌کنیم، مخصوصاً جوک‌هایی که از افراد هتک حرمت می‌کنه، آیا به حق حیات اون‌ها تجاوز نکردیم؟ (۹) باید طوری زندگی کنیم که هم خودمون آرامش داشته باشیم و هم مخل آرامش دیگران نشیم. با جوک‌ساختن برای افراد، ما داریم حق اون‌ها رو در جامعه تضعیف می‌کنیم (۱۰) اطرافیان ما حرمت دارند و نباید اون‌ها را مسخره کرد. به دلیل نادانی براشون جوک می‌سازیم (۸)»

دو عامل «ماجراجویی» و «لذت‌جویی» نیز از مهم‌ترین عواملی هستند که سبب بروز پدیده جوک‌های سیاه در جامعه می‌شوند. برخی از افراد، به‌طور خواسته یا ناخواسته برای تحریک احساسات دیگران و نیز تخلیه روانی ماجراجویی می‌کنند. درواقع، یکی از مولدهای اساسی تداوم جوک‌های سیاه، این‌گونه ماجراجویی‌هاست. میل به آزار و مشاهده واکنش‌های گوناگون تهاجم-دیدگان، بسترساز بسیاری از جوک‌های آلوده و زشت است. از سوی دیگر، درک نادرست از لذت

و سرخوشی نیز در کنار عامل ماجراجویی، ایجاد چنین جوک‌هایی را محتمل‌تر می‌سازد. یکی از گرایش‌های فطری انسان، میل به خوشی و راحتی است که با فرار از درد و رنج همراه است، اما در جامعه دارای وضعیت آنومیک، لذت حاصل از جوک‌های تلخ، با شادی عده‌ای و خشم و رنج برخی دیگر همراه می‌شود. جامعه نابسامان، دارای بحران معنا و مفاهیم زندگی می‌شود؛ به طوری که لذت را امری خودخواهانه می‌بیند و با استفاده از جوک‌های سیاه، شادی را برای خود و رنج و درد مهلکی را برای اطرافیان خود میسر می‌سازد. از نظر فروید، روان آدمی به لحاظ ماهیت تمایل به آرامش دارد و تمام تلاشش را می‌کند تا از کشاکش‌های روانی جلوگیری کند (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲). از این رو، با طنز و لطیفه در جست‌وجوی نوعی کامیابی و آرامش است، اما این کامیابی ممکن است در جامعه آثار مثبت یا منفی داشته باشد.

در نهایت، دو عامل دیگری که در یک راستا موجب وقوع جوک‌های سیاه در میان توده‌های مردم می‌شود، «افزایش میزان فراغت» و «کمبود امکانات تفریحی» است. امروزه رشد ساعت‌های فراغت سبب شده است که افراد به انواع مختلفی از سرگرمی‌ها و وقت‌گذرانی‌ها روی آورند که پرداختن به جوک یکی از آنهاست. تداوم استفاده از جوک به عنوان سرگرمی سبب می‌شود که افراد، انواع مختلفی از جوک را برای گذران اوقات فراغت خود به کار ببرند که یکی از خطرناک‌ترین آن‌ها همین جوک‌های سیاه است. از سوی دیگر، با افزایش اوقات فراغت، نیاز به تنوع‌دهی و کمتر کردن هزینه‌های فراغتی برای تمامی اقشار جامعه افزایش می‌یابد. هنگامی که امکانات جامعه برای فراغت مؤثر و ارزان برای همه فراهم نیست، افراد برای پرکردن اوقات فراغت، به راه‌هایی متوسل می‌شوند که به لحاظ اقتصادی هزینه کمتری برایشان داشته باشد. جوک و گونه‌های مختلف آن، یکی از ابزارهای فراغتی است که به لحاظ اقتصادی، برای مصرف‌کنندگان آن هزینه اقتصادی چندانی ندارد؛ هرچند که جوک سیاه، هزینه‌های اجتماعی و گاهی فرهنگی و سیاسی زیادی به جامعه تحمیل می‌کند.

زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردهای پدیده جوک‌های سیاه

جوک‌های سیاه، در زمینه‌های گوناگونی پدیدار می‌شوند و واکنش‌های متعددی را از سوی کنشگران مختلف ایجاد می‌کنند. بروز جوک سیاه، از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد که می‌توان آن‌ها را با توجه به مواردی مانند «فضای جامعه»، «نگرش‌ها و تصورات قالبی»، «شدت، میزان و دوره زمانی» بیان کرد. جامعه مورد مطالعه این تحقیق شامل کنشگران متعددی است که پدیده مورد

نظر در آن‌ها بسیار رواج دارد و بخش عظیمی از این جامعه با ویژگی‌های گوناگون، به سرگرمی و لذت حاصل از این‌گونه جوک‌ها علاقه نشان می‌دهند. از سوی دیگر، تداوم‌داشتن یا نداشتن جوک‌های سیاه در حیات اجتماعی مشارکت‌کنندگان، از شرایط و دوره زمانی تأثیر می‌پذیرد. بنا به اظهار بیشتر افراد نمونه در این مطالعه، هر قدر اندازه مشکلات اجتماعی و میزان فراغت افراد افزایش یابد، جوک‌سازی نیز در زندگی فردی یا اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. از دلایل مهمی که به زمینه‌سازی جوک‌های سیاه و نیز استفاده از راهبردهای مختلف در برابر آن منجر می‌شود، وجود تصورات و نگرش‌های قالبی است. تصور یا نگرش قالبی، بیانگر قضاوتی ساده، بررسی‌نشده و گاه نادرست، درباره گروهی دیگر یا وقایع است (بیرو، ۱۳۸۰: ۴۰۶). عقیده‌های قالبی در اشکال جوک‌های رکیک قومی، زبانی و جنسیتی، بیش از همه ناشی از نگرش‌های قالبی است که افراد در مسیر اجتماعی شدن ناقص آن را فرامی‌گیرند. افراد از طریق این نوع از جوک‌ها، برخی ویژگی‌ها را به عده‌ای از افراد در جامعه نسبت می‌دهند که در حقیقت آن ویژگی‌ها در آن‌ها عمومیت ندارد. این نوع نگرش سبب می‌شود در زمینه‌ها و شرایط مکانی و زمانی مختلف، میزان و شدت جوک‌ها و راهبردهای مهاجمان و تهاجم‌دیدگان بسیار متفاوت شود. در نتیجه، به جای «هم‌گرایی»، «واگرایی» محیط اجتماعی را فراگیرد.

شرایط مداخله‌گری که به‌مثابه عوامل ساختاری، بر راهبردهای پدیده جوک‌های سیاه تأثیر می‌گذارد و ممکن است روند حرکتی آن را تسهیل یا محدود کند، در سه عامل «سطح آگاهی جامعه»، «وابستگی‌های اجتماعی و قومی» و «میزان دسترسی به منابع و رسانه‌ها» خلاصه می‌شود. جوک‌های سیاه دوجوهی هستند؛ به‌طوری‌که هم‌زمان عده‌ای را شاد و برخی را دل‌آزرده می‌کنند، اما مسئله این است که آزاردهندگان فرهنگ و شخصیت دیگران، از آسیب‌رسانی‌شان به افراد و جامعه در جوک‌های سیاه اطلاع دارند. بسیاری از افراد، ناآگاهانه و برخی برحسب عادت، این نوع طنز ضدارزشی را به‌کار می‌برند و از این طریق، بر شدت ناهنجاری اجتماعی در سطح جامعه می‌افزایند. جوک‌های سیاه، بخشی از ناخودآگاه اجتماعی هستند که به دلیل بی‌اعتنایی‌های توده‌های جامعه، به آثار مخرب آن و جذابیت‌های گفتاری‌اش همواره مشتاقان زیادی در جامعه پیدا می‌کنند و سهل‌انگاری در دفع آن‌ها سبب می‌شود که در یک روند تاریخی، در میان افراد جامعه همه‌گیر شوند. برای روشن‌شدن این مطلب می‌توان به عبارت‌های زیر دقت کرد:

«اون‌هایی که به این جور جوک‌ها [جوک‌های سیاه] دامن می‌زنن، اصلاً نمی‌دونن که

چی کار دارن می‌کنن (۳) وقتی شناخت درستی از زندگی اجتماعی نداشته باشیم، وضعیت

ما می‌شه همین... جوک‌سازی می‌کنیم برای هم (۷) اون‌قدر باید به بلوغ برسیم که خوب و بد رو از هم تشخیص بدیم... ولی انصافاً این‌قدر اسیر روزمرگی شدیم که دقت نمی‌کنیم که با جوک داریم خونه رو روی سرمون خراب می‌کنیم (۱۷)»

یکی دیگر از عوامل مداخله‌گری که در تعیین راهبردهای مهاجمان یا تهاجم‌دیدگان از طریق جوک سیاه اهمیت دارد، وابستگی‌های اجتماعی و قومی است. زندگی اجتماعی عرصه تجارب مختلفی است که گاهی در این عرصه، انسان چنان در گروه‌ها و ارزش‌های اجتماعی پیرامون خود ذوب می‌شود که احساس می‌کند با نبودن آن‌ها خود نیز فنا می‌شود. این حالت سبب می‌شود که فرد با شدت زیادی به لحاظ عاطفی به آن گروه یا به‌طور کلی فرهنگ وابسته شود که حاصل آن، ایجاد حس تعلق و وفاداری به اصول و ارزش‌های گروهی یا قومی خویش است. تولید جوک‌های سیاه و واکنش‌های همراه آن، به‌ویژه جوک‌هایی که قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، آداب‌ورسوم و هویت‌های اجتماعی افراد را به تمسخر می‌گیرند، متأثر از این عامل‌اند. احساس تعلق اجتماعی و حمله به هویت‌های گروهی دیگران، ضمن اینکه سبب ایجاد حس کینه و دشمنی در سطح جامعه می‌شود، بر دامنه اثرگذاری جوک سیاه در پهنه جامعه می‌افزاید و هم‌زیستی فرهنگی را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

درنهایت، عامل دیگری که به‌مثابه شرایط مداخله‌گر در رویش و ریزش جوک‌های سیاه اثرگذار است، میزان دسترسی به منابع و رسانه‌هاست. به‌عبارت دیگر، اثرگذاری جوک‌های سیاه در سطح جامعه، به انباشت تولید در این زمینه و انتشار آن در پهنه وسیع اجتماعی بستگی دارد. این وابستگی موجب تقابل‌های شدید فرهنگی می‌شود. تأثیرگذاری جوک‌های سیاه و نیز چگونگی راهبردهای افراد در مقابل آن، از سویی به چگونگی ساخت و محتوای آن و از سوی دیگر، دسترسی به منابعی نیازمند است که با سرعت بالا و نیز پوشش جمعیتی وسیع‌تر در بستر جامعه آن‌ها را انتشار دهند. به‌عبارت دیگر، افراد نمونه بررسی اظهار می‌کردند که در وهله اول، عاملی اساسی که سبب می‌شود هجمه‌های مختلفی از طریق این‌گونه جوک‌ها در جامعه ایجاد شود، نکته‌سنجی جوک‌سازان و شناخت آن‌ها از ناتوانی و ضعف‌های مختلف فرهنگ‌ها یا افراد مقابل است. در مرحله بعد، رسانه‌های مختلف و به‌ویژه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گوناگون، با ایجاد فرصت‌های مناسب برای تولید و بازآفرینی مجدد و فراگیر جوک‌های سیاه، زمینه انتشار آن‌ها را با سرعت و حجم بالا تسهیل می‌کنند. ادعای فوق در کلام برخی از مصاحبه‌شوندگان مشهود بود؛ برای نمونه، می‌توان به عبارت‌های زیر اشاره کرد:

«این روزها چقدر گروه‌های جوک و لطیفه توی فضای مجازی زیاد شده. کافیه یکی جوک بذاره توی این فضا. به شکل هرمی کمتر از چند روز تو کل کشور اون جوک فرورارد می‌شه (۱) واقعاً خلاقیت جوک‌سازی ما ایرانی‌ها خیلی زیاده... اگر جوک‌سازی صنعت می‌شد، ما توی دنیا اول بودیم... الان دیگه هرکی جوک می‌سازه یا می‌شنوه... می‌ذاره تو این فضا... جوک‌ها دیگه از بین نمی‌رن (۱۷)»

راهبردهای پدیدآورندگان جوک‌های سیاه

راهبردهای زیادی ممکن است برای رشد جوک‌های سیاه در جامعه به کار روند که در این قسمت، به شکل موردی برحسب دیدگاه‌های افراد نمونه به آن می‌پردازیم. از بارزترین اهداف افراد در ساختن جوک‌های سیاه و به‌طور خاص جوک‌های قومیتی، «فاصله‌گیری قومیتی» است. کشور ما از اقوام مختلفی تشکیل شده است که هر یک دارای فرهنگ و اصالتی منحصر به فرد است. متأسفانه طی دهه‌های اخیر به‌ویژه از بعد از روی کار آمدن رضاخان، تاریخ ایران همواره دچار بحران‌های قومیتی شده و این امر سبب شده است که مناقشه‌های قومی، امنیت و آرامش داخلی آن را از جنبه‌های گوناگونی تهدید کند (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۰-۹۳). به عبارت دیگر، یکی از دلایل اساسی تنش‌های قومی در ایران، متداول بودن بسیاری از جوک‌های سیاه قومیتی در ادبیات شفاهی و مجازی ایرانیان است. این‌گونه از جوک‌ها سبب شده است برخی از اقوام با تصمیم‌گیری‌های عجولانه، راهبرد فاصله‌گیری از بطن جامعه را دنبال کنند و بدین‌شکل، همگرایی قومی را دچار چالش کنند و زمینه خشونت و درگیری را در جامعه مهیا سازند.

جوک‌های سیاه نه تنها قومیت‌ها را به چالش می‌کشند، بلکه به‌نوعی جنسیت‌ها را نیز در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهند؛ بنابراین، با تقویت هویت جنسیتی، همبستگی اجتماعی را با بحران‌های جدی روبه‌رو می‌سازند. هویت جنسی، تصویر و احساسی است که زن یا مرد از زن بودن یا مرد بودن خود دارد و نیز انتظاراتی است که از خود به‌عنوان یک جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر دارد (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۶۸۱). جوک‌های سیاه، آزارهای کلامی، شخصیتی و هویتی فراوانی به‌ویژه علیه زنان در عرصه عمومی دارند و سبب می‌شوند بسیاری از انتظارات زنان از نقش‌های جنسیتی‌شان تأمین نشود؛ بنابراین، ممکن است راهبردی تقابلی جویانه را اتخاذ کنند و بدین ترتیب اختلاف‌های جنسیتی در جامعه گسترش یابد.

از جمله شیوه‌های اساسی افراد که با به‌کارگیری جوک‌های سیاه در پی آن هستند، «تحریک-کردن دیگران» است. این راهبرد خود شکل‌دهنده دو راهبرد دیگر «مقابله‌به‌مثل» و «کینه‌توزی» است. عده‌ای به دلایل مختلف از طریق جوک‌های سیاه به دنبال آن هستند که احساسات برخی از افراد یا گروه‌ها را در جامعه تحریک کنند و از این طریق، زمینه انتقام‌جویی و مقابله‌به‌مثل در جامعه را تداوم بخشند و کینه‌ورزی را در جامعه گسترش دهند. این راهبرد، به‌طور مستقیم، اخلاق و ارزش‌های بنیادین انسانی و اجتماعی را ویران می‌کند و بر روحیه تعاون و همکاری اجتماعی اثر می‌گذارد. برخی از اظهارات افراد نمونه بیانگر این مطلب است:

«جوک‌های این‌چینی [سیاه] چه فایده‌ای داره...؟! به‌جز اینکه طرف رو نسبت به ما حساس کنه! (۲) جوک‌های زشت باعث ایجاد روابط زشت بین طرفین می‌شه... اون‌ها را به تهاجمی‌تر شدن وادار می‌کنه (۱۵) اگر جوک‌ها به‌سمتی بره که افراد به‌جای شوخی قصد توهین و افترا و تحقیر همدیگر رو داشته باشن، افراد دائم به‌دنبال انتقام‌گیری از هم‌اند... و این کینه و دشمنی‌ها رو زیاد می‌کنه (۴) ما با این جوک‌ها داریم دل همدیگر رو به درد می‌آریم.. برای خودمون دشمن‌تراشی می‌کنیم و هم‌هش دنبال اینیم که یک‌طوری حال هم رو بگیریم (۱۵)»

از عوارض جوک‌های سیاه این است که سبب می‌شود عده‌ای به‌دلیل تحقیر یا بدبینی جامعه به آن‌ها، از اصالت و زمینه‌های فرهنگی خود جدا شوند و خود را با هویت‌های فرهنگی مرکزی که کمتر در آماج حملات جوک‌گونه قرار دارد، درآمیزند. به‌عبارت دیگر، سرزنش‌آمیزبودن و طعنه‌زدن‌های مداوم جوک‌های سیاه سبب می‌شود که برخی برای رهایی از این هجمه‌ها، خود را به فرهنگی که دارای قدرت است، نزدیک‌تر سازند و با رویکرد «مرکزی‌محوری» اصالت و هویت‌های قومی و فرهنگی خود را به فراموشی بسپارند تا بدین‌شکل تأیید اجتماعی کسب کنند. منظور از مرکز‌محوری در واقع، اتصال به فرهنگ و هویتی است که فرهنگ مرجع می‌شود و کمتر از سایر فرهنگ‌ها پست یا تمسخرآمیز تصور می‌شود. به‌کارگیری این راهبرد در فرایند زندگی اجتماعی - که به‌نحوی فرار اجباری فرهنگ‌ها یا شخصیت‌های ضعیف است - خود ایجادکننده دو راهبرد دیگر نیز است که عبارت‌اند از: «نگاه ذره‌بینی» و «برچسب‌زنی». نگاه ذره‌بینی در میان افرادی که برای دیگران جوک می‌سازند و افرادی که جوک‌ها برای آن‌ها مصداق پیدا می‌کنند، وضعیتی دوگانه و متفاوت ایجاد می‌کنند. کسانی که جوک را برای تخریب شخصیت دیگران به‌کار می‌برند، با نگاه ذره‌بینی همواره در جست‌وجوی کوچک‌ترین عیب‌های دیگران هستند تا در هر فرصتی به ترور شخصیت آن‌ها بپردازند. از سوی دیگر، کسانی که مورد تهاجم این‌گونه از جوک‌ها

واقع می‌شوند، برای فرار از نگاه منفی بافانۀ جوک‌سازان، در رفتار خود احتیاط می‌کنند. حاصل این تقابل، مسموم و بحرانی‌شدن فضای جامعه است. نگاه ذره‌بینی، علاوه بر همه آسیب‌هایی که به روابط اجتماعی وارد می‌سازد، با اتخاذ راهبرد «برچسب‌زنی»، تعامل‌های اجتماعی را تخریب می‌کند. در واقع، برخی از افراد با شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی از طریق جوک‌های سیاه، به دنبال آن‌اند که با زدن برچسب‌های غیراخلاقی به افراد و فرهنگ‌ها، به آن‌ها حمله کنند. با نگاهی به بسیاری از جوک‌هایی که در جامعه تولید شده یا رواج دارد، می‌توان گفت که بخش زیادی از جوک‌ها ویژگی‌هایی دارند که با واقعیت‌های افراد تهاجم‌دیده هرگز سازگاری نداشته است.

پیامدهای به‌کارگیری جوک‌های سیاه

پدیده جوک‌های سیاه از دیدگاه افراد نمونه در این مطالعه، پیامدهای مختلفی در سطح جامعه داشته است که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته «روانی»، «اجتماعی»، «فرهنگی» و «سیاسی» تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی شاهدهی بر گستردگی آثار و نتایج پدیده مورد نظر در بطن جامعه است. از نظر روانی، شیوع جوک‌های سیاه در میان توده‌های مردم سبب می‌شود که برخی از افراد جامعه، همواره دچار بحران ترس و دلهره باشند؛ به‌نحوی که از حضور مفید در جامعه با جهان‌بینی و تعلقات فرهنگی و اجتماعی خاص مضطرب‌اند و با خویش‌داری و احتیاط، از انعکاس برخی از خلاقیت‌ها و توانایی‌های خود در جامعه بازمی‌مانند؛ چراکه ممکن است به‌وسیله جوک مورد اهانت و تحقیر واقع شوند. از سوی دیگر، جوک‌های سیاه حاوی محتوای متعددی است که سبب رنج و عذاب روحی عده‌ای می‌شود و با هتک حرمت و ترور شخصیت آنان، اعتماد به‌نفس آن‌ها را کاهش می‌دهد. در نتیجه، این آسیب‌های روانی با ایجاد یأس و ناامیدی، سلامت روانی جامعه را تخریب می‌کند. علاوه بر همه آسیب‌های روانی که جوک‌های سیاه بر تهاجم‌دیدگان این پدیده وارد می‌کنند، مهاجمان نیز دچار بسط یک تصور روانی باطل یعنی «غرور کاذب» در خود می‌شوند. کسانی که دیگران را موضوع جوک‌ها یا شادی‌های کاذب خویش قرار می‌دهند، از منظری خود را برتر از آنان می‌دانند. این خودبزرگ‌بینی، با خوار و خفیف‌دانستن بخشی از جامعه همراه می‌شود و نتیجۀ آن، تخریب روابط دوستانه و برابر در جامعه می‌شود. انسان خودبرترین قادر به دوست داشتن دیگران نیست. دوست داشتن برای او نامفهوم است و اگر این حالت روانی در وی تشدید شود، به روش‌های گوناگون و گاهی با جوک‌سازی آن‌ها را تحقیر می‌کند (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۹). تکبر و غرور کاذب، خطر بزرگی برای جامعه است و سبب می‌شود فرد به‌تدریج

رابطه خود را با واقعیت از دست بدهد، تعهدات زندگی را فراموش کند و به‌ویژه کمک‌هایی را که طبیعت هر فردی نیازمند آن است، تشخیص ندهد (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

پیامدهای اجتماعی جوک‌های سیاه، به شکلی زنجیروار به هم وابسته‌اند. جوک‌های سیاه با داشتن محتوای زشت و زننده سبب می‌شوند عده‌ای در جامعه با تحقیر و توهین دچار انزوا و گوشه‌گیری شوند و زمینه «طرد اجتماعی» آنان فراهم شود. طرد اجتماعی به معنای ازهم‌گسیختگی پیوندهای اجتماعی میان فرد و جامعه است (سیلور، ۲۰۰۸: ۳۰۲)؛ بنابراین، طرد شدن عده‌ای در جامعه سبب می‌شود برخی افراد با تولید این‌گونه جوک‌ها درک متقابلی از دیگران نداشته باشند؛ چراکه نمی‌توانند بین خود و دیگران نقطه اشتراکی بیابند. وقتی بخشی از افراد جامعه نتوانند احساسات یا استعدادها را به‌خوبی معنا کنند، در یک دوره زمانی «بی‌اعتمادی» پهنه وسیعی از جامعه را تسخیر می‌کند. جوک‌های سیاه و به‌کاربردن آن در محفل‌های مختلف، با تخریب شدید محبت و هم‌بستگی، ضمن اینکه بی‌اعتمادی را در جامعه رواج می‌دهد، زمینه‌ساز «کاهش مشارکت» و اجتناب برخی از افراد از حضور مؤثر در صحنه‌های اجتماعی می‌شود و در نتیجه، با وجود فضای آلوده و پراشتهاب، با بحران «کاهش ریسک‌پذیری» افراد مواجه خواهیم بود. ریسک‌پذیری به معنای جسارت داشتن یا بروز رفتار یا تمایل به اقدام در جهت با آینده‌ای نامعلوم است که نمی‌توان نتایج آن را با اطمینان تشخیص داد (کوک و راسول، ۱۳۸۴: ۱۲۵). هنگامی که جو نامناسبی در جامعه ایجاد شود، بسترهای ایجاد هرگونه نوآوری یا خلاقیت از بین می‌رود.

پیامدهای فرهنگی جوک‌های سیاه را براساس دیدگاه‌های افراد نمونه این تحقیق می‌توان در سه مقوله «مطلق‌انگاری فرهنگی»، «کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی» و «فروپاشی اخلاقی» بیان کرد. جوک‌های سیاه به‌ویژه جوک‌های قومی و جنسیتی، با در نظر نگرفتن درک صحیح فرهنگی یا اصل نسبیّت فرهنگی، همواره فرهنگی را برتر و فرهنگ دیگر را ضعیف‌تر می‌انگارند. به‌دست‌آوردن احساس بزرگی یا بافرهنگ‌بودن با تلاش در تحقیر و بی‌فرهنگ‌دانستن دیگران شیوه‌ای ناپسند است. فرهنگ چارچوب مشخصی ندارد و اصطلاح بی‌فرهنگ، از اساس مفهومی غلط است. مطلق‌انگاری فرهنگی، یکی از عوامل دگم‌اندیشی در جامعه و از مهم‌ترین موانع هم‌زیستی آحاد بشر با یکدیگر است. دیدگاه‌های زیر تا حدودی گویای این مطلب است:

«تهرانی‌ها فقط خودشون رو دارای بهترین فرهنگ می‌دونن و فرهنگ شهرستانی رو

پست‌تر و پایین‌تر می‌دونن (۱۰) بسیاری از مردها توانایی فکری و ذهنی خودشون رو بالاتر

از زنان تصور می‌کنم. به‌خاطر همین هستش که زن‌ها رو دستمایه جوک می‌کنن (۶)
جوک‌هایی که برای قومیت‌ها ساخته شده‌ن... اگر خوب محتوای اون‌ها رو بررسی کنیم...
می‌بینیم که اون‌هایی که این جوک‌ها رو ساختند در موضعی قرار دارند که تفکر خودشان رو
برتر از هر تفکری می‌دونند (۱۴)»

اسلام هرگونه توهین و استهزا را مذمت کرده است. مسلمانی که براساس آموزه‌های دین باید
از هرگونه شوخ‌طبعی منجر به آزار دیگران اجتناب ورزد، با عمل معکوس خود، فارغ از برهم‌زدن
مناسبات اجتماعی، بر گستره اعتقادات دینی در جامعه هم تأثیر می‌گذارد و ارزش‌های دینی را
تضعیف می‌کند. کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی، نتیجه دیگری نیز به جامعه تحمیل می‌کند و آن،
فروپاشی اخلاق است. فروپاشی اخلاقی، حاصل دورشدن انسان‌ها از ارزش‌های دینی و جایگاه و
کرامت انسانی است. وقتی اخلاق در جامعه فروکش می‌کند، ارزش‌های انسانی نیز به انحطاط
می‌گراید؛ بنابراین، حیات اجتماعی در جامعه‌ای که مبانی اعتقادی و اخلاقی آسیب می‌بیند، بسیار
چالش‌برانگیز خواهد بود. جوک‌های سیاه با مبانی اندیشه اسلامی و نیز با اخلاق اجتماعی و عرفی
در تباینی آشکارند و موجب کمرنگ‌شدن اعتقادات دینی و اخلاق اجتماعی در جامعه می‌شوند.

با تجزیه و تحلیل داده‌های پیامدهای سیاسی جوک‌های سیاه در سه مقوله «چندپارگی»، «تشدید
اختلافات قومی» و «خشونت و آشوب» قرار گرفت. جوک‌های سیاه سبب ایجاد شکاف‌های متعدد
اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، انسانی و بیش از همه سیاسی در سطح جامعه خواهند شد. حفره‌هایی
که این‌گونه از جوک‌ها در جامعه ایجاد می‌کنند، سبب می‌شود که گروه‌ها، سلیقه‌ها و اقوام از یکدیگر
جدا شوند و در برابر هم قرار گیرند. چنین وضعیتی هم‌بستگی سیاسی را از بین می‌برد و موجب
چندپارگی سیاسی در عرصه اجتماعی می‌شود. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که از طریق جوک‌های
سیاه، ظرفیت عرصه‌های مختلف غیرسیاسی مانند قومیت، طبقه، جنسیت و... را در کنار سیاست
می‌توان خاستگاه چندپارگی یا شکاف سیاسی دانست. چنین بحران‌هایی، تنازعات ساختاری را شکل
می‌دهد که بارزترین آن‌ها تشدید اختلافات قومی است و همواره مستعد ایجاد خشونت و بلواهای
سیاسی و اجتماعی در جامعه است. بسیاری از افراد نمونه بر این مسائل تأکید می‌کردند که در این
بخش، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«جوک‌های قومی و قبیله‌ای باعث ایجاد جدایی و شکاف در جامعه می‌شن (۴) این
نوع از جوک‌ها آتیش زیر خاکسترن که اگر شعله‌ور بشن، کل جامعه رو به آتیش می‌کنش
(۵) جوک‌هایی که افراد و طوایف و فرهنگ‌ها را در تیررس خودشون قرار می‌دن، باعث

می‌شن انفکاک سیاسی و تنازعات قومی در جامعه شکل بگیرد و در نهایت، بحران و خشونت در کل جامعه سرایت کند (۹)»

نتیجه‌گیری

سیسرون در فن خطابه می‌نویسد: «رایج‌ترین نوع لطیفه این است که ما برخلاف انتظارمان، جمله‌ای غافلگیرکننده بشنویم؛ آنچه در اینجا سبب خنده ما می‌شود این است که آنچه انتظارش را داشته‌ایم، نقش بر آب شده است» (کریجلی، ۱۳۸۴: ۱۱). جوک شرایط غیرمنتظره یا سرگرم‌کننده‌ای برای افراد فراهم می‌آورد که گونه سیاه آن علاوه بر خنده سطحی ممکن است ستون‌های نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی جامعه را تخریب کند. جوک در قالب شیرین و طنزگونه‌اش قابلیت آن را دارد که مانند یک مصلح اجتماعی، به مردم در شناسایی رفتارهای نابهنجار کمک کند، اما وقتی رنگ سیاهی و تلخی به خود بگیرد، در شناخت زیبایی‌ها، انسان را دچار مشکل می‌کند و موجب اختلال در تعامل‌های اجتماعی سازنده می‌شود.

جوک‌های سیاه، بخشی از آزار زبانی است که در جامعه ایرانی قدرت چشمگیری یافته است؛ به طوری که عده‌ای با آگاهی از مصائب زبانی آن، در برابر این عمل ضد فرهنگی و نامناسب تسلیم می‌شوند و به دلیل رایج‌بودنش همچنان به آن می‌پردازند (هارلند، ۱۳۸۰: ۱۶۸). در ایران، قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی وجود دارند که هر یک دارای زبان منحصر به خود هستند. زبان فقط یک وسیله ارتباطی نیست؛ بلکه بخشی از تفکر و احساس است. شیوع افسارگسیخته جوک‌های سیاه، به دلیل درک نکردن زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف است. جامعه ما نیازمند آن است که به درک متقابل از زبان‌های و تفکرات متفاوت دست یابد. پس باید این تلقی از فرهنگ وجود داشته باشد که ناآشنایی با یک زبان و فرهنگ، به معنای نامتعارف بودن آن نیست. همه افراد از یک نوع سبک زندگی، فرهنگ، ساختار فکر یا عقیده پیروی نمی‌کنند. متأسفانه به دلیل نداشتن درک فرهنگی صحیح، همواره شاهد ردوبدل شدن جوک‌هایی هستیم که حرمت انسانی و شأن گروهی را از بین می‌برند و به این شکل، یکپارچگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی جامعه را تهدید می‌کنند. جوک باید مبتنی بر مرز و حدود مشخص باشد؛ به نحوی که دامنه آن از کرامت انسانی و احترام به بینش‌های متنوع فرهنگ‌های مختلف عدول نکند، اما جوک‌های سیاه از این حدود تجاوز می‌کنند و در سطوح مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، پیامدهای ناگوار و گاه جبران‌ناپذیری برجای می‌گذارند. این گونه از جوک‌ها، در سطح روانی با آسیب‌زدن به احساسات و هیجان‌های افراد، سلامت و بهداشت روانی جامعه را مختل می‌سازند و در لایه اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی

جامعه را دچار فرسودگی می‌کنند. در بعد فرهنگی نیز با کم‌رنگ کردن ارزش‌ها و آموزه‌های دینی، بداخلاقی و پرده‌داری را در جامعه رواج می‌دهند و بالاخره از منظر سیاسی، با اشاعه جوک‌های قومیتی و جنسیتی، زمینه‌ساز ناآرامی و خشونت می‌شوند.

جوک‌های سیاه در جامعه ما به یک سازوکار تهاجمی یا دفاعی تبدیل شده‌اند که افراد برای رهایی از زنجیره‌های تحمیلی جامعه یا فشارهای روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنند تا خود را به هر طریقی سرخوش کنند، اما غافل از آن هستند که شیوع آن سبب تخریب می‌شود و آثار نامطلوب بسیاری در جامعه برجای می‌گذارد. به عبارت دیگر، جوک‌های سیاه در سطوح مختلفی از حیات اجتماعی و فردی ما نفوذ کرده‌اند؛ به طوری که پیامدهای متعددی، از تخریب روابط دوستانه و بین-فردی تا آسیب‌رسانی و یورش‌بری به روابط بین‌گروهی با خود دارند؛ بنابراین، باید با زدودن این امر ناپسند در جامعه و افزایش مهارت‌های اجتماعی و آموزش فرهنگی مناسب، از رشد این نوع از جوک‌ها جلوگیری کرد.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران: نشرنی.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، نشانه‌شناسی مطایبه، اصفهان: نشر فردا.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- آدلر، آلفرد (۱۳۷۹)، شناخت طبیعت انسان، ترجمه طاهره جواهرساز، تهران: رشد.
- برگسون، هانری لویی (۱۳۷۹)، خنده، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر شباویز.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۸۷)، طنز و طنزپردازان ایران، تهران: نشر صدوق.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پلارد، آرتور (۱۳۷۸)، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: نشر مرکز.
- پلبو، روبر (۱۳۷۰)، شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تنکابنی، فریدون (۱۳۷۵)، اندیشه و کلیشه، تهران: انتشارات جهان کتاب.
- حری، ابوالفضل و دیگران (۱۳۸۷)، کتاب طنز، تهران: سوره مهر.
- خشوعی، مهدیه‌سادات (۱۳۸۶)، روان‌شناسی شوخ‌طبعی، تهران: کنکاش.
- درودیان، ولی‌اله (۱۳۷۷)، گزیده و شرح آثار عبید زاکانی، تهران: انتشارات فرزانه.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۹۴)، نظریه های شخصیت یا مکاتب روان شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شریعت پناهی، قاضی (۱۳۸۲)، بایسته های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
- شیرینی، قهرمان (۱۳۷۶)، «راز طنز آوری»، ماهنامه ادبیات معاصر، شماره های ۱۷ و ۱۸: ۴۰-۴۷.
- صدر، رؤیا (۱۳۸۴)، بیست سال با طنز، تهران: انتشارات هرمس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشرنی.
- کاسب، عزیز الله (۱۳۶۶)، چشم انداز تاریخی هجو، تهران: کاسب.
- کریچلی، سایمون (۱۳۸۴)، در باب طنز، ترجمه: سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- کوک، لیز و راسول، برایان (۱۳۸۴)، سبک های رهبری مدیران زن و مرد، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، تهران: نشر مدیران.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۰)، ابر ساختارگرایی، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- Boswell, C. and Cannon, Sh. (2012), **Introduction to Nursing Research**. (3rd ed). Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.
- Devers, K. J. and Frankel, R. M. (2000), **Study Design in Qualitative Research-2: Sampling and Data Collection Strategies**, Educ Health (Abingdon), No 13(2): 263° 271.
- Martins, N. (2002), **A Model for Managing Trust**, Intetnational Journal of manpower, No 23(8): 754° 769.
- Silver, H. (2008), **Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms in David Byrne**, Social Exclusion; Critical Concept in Mobility Sociology, No 1: 262° 313.
- Tyler, T. R. (2003), **Trust within Irganization**, Personnel Review, No 32(5): 556° 668.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی